



مقدمه

ارتباطات و تمدن‌ها مناسبات تاریخی دیرین دارند و در طول عصرهای مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها، تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های متقابل گوناگون داشته‌اند. به عقیده برخی از متفکران معاصر، ایجاد و تحول امکانات و وسایل ارتباطی، خود از عوامل اصلی ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ سیاسی و دگرگونی تمدن‌های جهان بوده‌اند و بعضی از اندیشه‌گران هم، پیدایش و گسترش شیوه‌های متعدد ارتباطی را از ابتکارها و تویذگی‌های امپراتوری‌ها و تمدن‌های سرزمین‌های خاص به شمار آورده‌اند. «هارولد اینیس»، تاریخ‌شناس و اقتصاددان مشهور کانادایی (۱۸۹۴-۱۹۵۲) از نخستین پژوهشگران غربی است که به مطالعات مستقل درباره نقش ارتباطات در تمدن‌های جهانی و از جمله، تمدن غرب پرداخته است. وی در کتاب معروف خود به نام «امپراتوری و ارتباطات» و همچنین کتاب مکمل آن، موسوم به «سوگیری ارتباطات» تأثیر تکنیک‌های مختلف ارتباطی در تحول جوامع انسانی را بررسی کرده و با تأکید بر اثرگذاری خاص وسایل ارتباطی در «زمان» و «مکان» برای آنها در دگرگونی‌های تاریخی امپراتوری‌های باستانی و از جمله، ایران و همچنین دنیای اسلام و نیز وضع کشورهای غربی در دوره پس از رنسانس، سهم بسیار بزرگی قائل شده است. به عقیده او، بعضی از وسایل مورد استفاده انسان، مانند سنگ نوشته‌ها، نوشته‌های روی ظروف سفالی، نوشته‌های روی پاپيروس و نوشته‌های روی پوست حیوانات، به سبب قابلیت دوام آنها، در بُعد زمانی بر مسائل اداره جوامع تأثیر گذاشته‌اند و برخی از وسایل دیگر، نظیر نوشته‌های روی کاغذ، کتاب‌ها و مطبوعات چاپی و وسایل و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، همچون تلگراف و رادیو، به علت قابلیت تحرک آنها، در بُعد مکانی بر این مسائل اثر گذاشته‌اند.



ارتباطات جمعی و صلح جهانی*

دکتر عطاءالله مهاجرانی

در روابط و مناسبات میان دولت‌ها در سطح‌های مختلف نیز ارتباطات همیشه به نحوی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. به گونه‌ای که می‌توان ارتباطات را به جای معرفی یک عنصر خاص و جداگانه روابط دولت‌ها، به عنوان جزیی از فعالیت‌ها و اقدامات دیپلماتیک و نظامی و اقتصادی آنها در روابط بین‌المللی به‌شمار آورد.

تأثیر ارتباطات در روابط بین‌الملل به‌حدی اهمیت یافته است که برخی از محققان و متخصصان علوم سیاسی و همچنین علوم ارتباطات، از آن به عنوان یکی از ارکان مهم روابط مذکور، نام می‌برند و پدیده‌هایی همچون نقش بسیار فراگیر مقاله‌ها و تفسیرهای رسانه‌ای در افکار عمومی، سانسور و دستکاری تبلیغاتی افکار و عقاید در جهت تحقق هدفهای موردنظر دولت‌ها و انتقال پیام‌های آنها به دولت‌ها و ملت‌های خارجی از طریق وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات را زمینه‌های مناسبی برای به‌کارگیری این امکانات ارتباطی در جهت تأمین منافع ملی مورد توجه سیاست خارجی و دیپلماسی و همچنین جنگ روانی (عملیات روانی کنونی) می‌شناسند.

برخی از محققان علوم سیاسی، که در اوایل سال‌های دهه ۱۹۵۰ و همزمان با تشدید جنگ سرد، به بررسی نقش ارتباطات در روابط بین‌الملل پرداخته بودند، از ارتباطات به عنوان «بعد چهارم»^۲ این روابط، سخن گفته‌اند. «هارولد لاسول»^۳ سیاست‌شناس و پژوهشگر ارتباطی معروف آمریکایی، تحت‌تأثیر شرایط محیط جنگ سرد دو بلوک متخاصم شرق و غرب، «جنگ سیاسی»^۴ را به منزله فعالیت اصلی دولت‌ها در روابط خاص دو بلوک یاد شده، معرفی کرده بود و استفاده از وسایل ارتباط جمعی به منظور پیشبرد هدف‌های این جنگ ویژه را ضروری شناخته بود.

به عقیده وی، «... جنگ سیاسی، این اندیشه مهم را که باید تمام عناصر آن با اهداف مورد نظر تناسب داشته باشند، به

سیاسی، استفاده از وسایل اقتصادی را نیز در برمی‌گیرد...»^۵

به‌طور کلی، دولت‌ها برای تأمین هدف‌های ملی خود، در برابر دولت‌های دیگر، از چهار طریق و یا با توجه به چهار بعد، فعالیت و اقدام می‌کنند. اشاره به این طرق یا ابعاد چهارگانه، به ترتیب عددی و تقدم و تأخر آنها در زمینه موردنظر، به معنای برتری یکی بر دیگری نیست. زیرا هر کدام از آنها در روابط بین دولت‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند. در عین حال، برای سهولت شناخت این ابعاد، می‌توان آنها را به‌طور شمارشی و به صورت زیر معرفی کرد:

۱. نخستین بُعد روابط دولت‌ها، دیپلماسی است که مذاکره‌ها و تبادل نظرهای مربوط به مناسبات و توافق‌ها یا قراردادهای دوجانبه و یا چندجانبه آنها را در برمی‌گیرد.

۲. بُعد دوم این روابط، جنبه اقتصادی دارد و به مبادله منابع مورد توجه دولت‌ها، مربوط می‌شود.

۳. سومین بُعد روابط دولت‌ها، دارای جنبه نظامی است و به استفاده از قدرت منابع نظامی و یا تهدید استفاده از این قدرت، برای نیل به هدف‌های ملی معطوف می‌باشد و یا چنان که اکنون بیش از پیش معمول شده است، به تحقق هدف‌های ملی چند کشور توجه دارد.

۴. بُعد دیگر روابط دولت‌ها، که گاهی از آن به عنوان «بُعد مخفی یا نامرئی»^۶ نیز نام برده می‌شود، «فعالیت اطلاعاتی» و به عبارت دقیقتر، جمع‌آوری اطلاعات محرمانه، به منظور تقویت سازمان‌های سیاسی و نظامی کشورها و کمک به برتری وضعیت آنها در برابر کشورهای دیگر را شامل می‌گردد. اما به سبب آن که این گونه فعالیت‌ها، به عنوان پشتیبانی از فعالیت‌های ابعاد دیگر روابط دولت‌ها به کار گرفته می‌شوند و عموماً به‌طور مشخص صورت می‌گیرند، می‌توان در طبقه‌بندی ابعاد و روابط دولت‌ها، از آن به عنوان

■ ارتباطات و تمدن‌ها مناسبات تاریخی دیرین دارند و در طول عصرهای مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها، تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های متقابل گوناگون داشته‌اند.

■ به عقیده برخی از متفکران معاصر، ایجاد و تحول امکانات و وسایل ارتباطی، خود از عوامل اصلی ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ سیاسی و دگرگونی تمدن‌های جهان بوده‌اند و بعضی از اندیشمندان هم، پیدایش و گسترش شیوه‌های متعدد ارتباطی را از ابتکارها و ویژگی‌های امپراتوری‌ها و تمدن‌های سرزمین‌های خاص به‌شمار آورده‌اند.

■ تأثیر ارتباطات در روابط بین‌الملل به‌حدی اهمیت یافته است که برخی از محققان و متخصصان علوم سیاسی و همچنین علوم ارتباطات، از آن به عنوان یکی از ارکان مهم روابط مذکور، نام می‌برند.

دقت مشخص می‌کند... دیپلماسی به عنوان مثال، می‌تواند برای خنثی کردن قدرت دشمنان بالقوه و یا جداکردن متحدان از دشمن، به کار گرفته شود... هنگامی که ما از دیپلماسی سخن می‌گوییم، تدارک تفسیرها و اظهارنظرهای رسمی را در ذهن داریم... در حالی که ارتباطات جمعی به مخاطبان انبوه توجه دارند، دیپلماسی از طریق مذاکرات رسمی اقدام می‌کند... جنگ

«بعد چهارم»^۶ یاد کرد.

این قبیل فعالیت‌ها را برخی، بُعد روانشناختی یا اطلاعاتی روابط دولت‌ها نیز نامگذاری کرده‌اند و گردآوری و انتقال اطلاعات، اندیشه‌ها، ادراک‌ها و پیام‌ها را از مهم‌ترین جنبه‌های آن معرفی نموده‌اند. تردید نیست که فعالیت‌های اطلاعاتی در سه بُعد دیگر روابط دولت‌ها نیز اعمال می‌شوند. اما در عصر حاضر، بُعد اخیر به عنوان یک جنبه متمایز و مستقل روابط دولت‌ها درآمده است و هدف‌های خاص خود را دنبال می‌کند. با تمام احوال، نباید

■ ارتباطات و اطلاعات در روابط بین‌الملل، نقش بسیار مهمی به عهده دارند و با توجه به آن که ارتباطات همیشه حامل و ناقل نشانه‌ها، نمادها و پیام‌های حاوی اطلاعات مختلف‌اند، کارکردهای خبری، آموزشی، تفریحی، انگیزشی، اقناعی و تبلیغی گوناگون نیز دارا هستند.

فراموش کرد که بُعد چهارم روابط دولت‌ها، به‌طور جداگانه از سه بُعد دیگر، به فعالیت و عمل نمی‌پردازد. بلکه همواره بر آنها تأثیر می‌گذارد و متقابلاً از آنها تأثیر می‌گیرد.

در هر صورت، ارتباطات و اطلاعات در روابط بین‌الملل، نقش بسیار مهمی به عهده دارند و با توجه به آن که ارتباطات همیشه حامل و ناقل نشانه‌ها، نمادها و پیام‌های حاوی اطلاعات مختلف‌اند، کارکردهای خبری، آموزشی، تفریحی، انگیزشی، اقناعی و تبلیغی گوناگون نیز دارا هستند. اطلاعات را می‌توان به شکل کلمات، اصوات یا تصاویر و یا ترکیبی از آنها، ارائه کرد و یا آن‌چنان که اخیراً معمول شده است، به صورت داده‌های دیجیتال یا الکترونیکی عرضه نمود.

در این میان، ارتباطات بین‌المللی، ارتباطات بین دو یا چند طرف (ملت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌ها) را، که در مناطق

جغرافیایی مختلفی قرار دارند، شامل می‌شوند. در طول چهار قرن اخیر، تعریف نظام اصلی سازماندهی جوامع، براساس مفهوم (دولت . ملت)^۷ استوار بوده است. در این چارچوب، ارتباطات دولت . ملت‌ها، در سطح‌های گوناگون صورت می‌گیرند، ارتباط میان نمایندگان رسمی دولت‌ها، معمولاً به عنوان «دیپلماسی»، شناخته می‌شود و در زمان به هم خوردن این ارتباط، از آن به عنوان برخورد یا منازعه، سخن به میان می‌آید. ارتباط میان دست‌اندرکاران غیردولتی، مانند شرکت‌های بازرگانی و یا افراد معمولی هم از طریق مبادلات گوناگون همچون تجارت و سیاحت و انواع دیگر تبادل اطلاعات و تجربیات صورت می‌گیرد. به همین لحاظ، برخی از محققان علوم ارتباطات، به جای اصطلاح «ارتباطات بین‌المللی»^۸ که به عقیده آنان با یک صفت فراگیر محدود همراه است، اصطلاح «ارتباطات جهانی»^۹ را، که از حیث دامنه فراگیری، صفتی وسیع‌تر در بر دارد، به کار می‌برند و بعضی دیگر هم به جای دو اصطلاح یادشده، اصطلاح «ارتباطات سراسرزمینی»^{۱۰} را ترجیح می‌دهند.

به هر حال، با توجه به آن که شاخص اساسی ارتباطات بین‌المللی معاصر، کاربرد وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در جهت تسهیل و توسعه روابط دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی و همچنین افراد در سطح جهانی به‌شمار می‌رود، کشورهای که در زمینه مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون و نیز ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیون و شبکه‌های اطلاعات الکترونیکی از امکانات بیشتری برخوردارند، طبیعتاً در صحنه روابط بین‌المللی و به ویژه استفاده از ارتباطات برای پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی ملی نیز موفق‌ترند.^{۱۱}

۱. کاربرد ارتباطات در سیاست‌های جهانی در دو قرن اخیر، استفاده از وسایل و

تکنولوژی‌های ارتباطی به منظور جلب افکار عمومی ملی و بین‌المللی و نیل به هدف‌های سیاسی جهانی، بیش از پیش اهمیت یافته است. در قرن نوزدهم، روزنامه تأییدکننده (تأسیس در سال ۱۷۸۷)، خبرگزاری رویتر (تأسیس در سال ۱۸۵۱) و کابل‌های تلگرافی زیردریایی، تأسیس نخستین کابل تلگرافی بین اروپا و آمریکا (در سال ۱۸۶۶)، در پیشبرد سیاست خارجی و مقاصد جهانی امپراتوری انگلستان، نقش بسیار مهمی داشتند. در اواسط قرن نوزدهم در محافل سیاسی و دیپلماتیک کشورهای قاره‌ای اروپایی، اغلب گفته می‌شد که سیاست جهانی انگلستان را روزنامه تایمز و خبرگزاری رویتر تعیین و هدایت می‌کنند. اهمیت خطوط تلگرافی نیز در همین دوره برای انگلستان، جنبه حیاتی پیدا کرده بود. به گونه‌ای که پس از شورش استقلال‌طلبانه مردم هند در سال ۱۸۵۷، فشار دولت انگلستان بر دولت ایران، برای کسب امتیاز عبور خط تلگرافی لندن . دهلی از خاک ایران، به منظور کنترل سریع‌تر و بیشتر شبه قاره هند از پایتخت انگلستان، شدت یافت و سرانجام در سال ۱۸۶۳ به تحمیل قرارداد تأسیس خطوط تلگرافی، در ایران، که نخستین قرارداد استعماری تحمیل شده به ایران در دوره قاجاریه است، منتهی گردید. سلطه ارتباطی جهانی انگلستان، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، گسترش فوق‌العاده‌ای پیدا کرد. به طوری که به موازات افزایش قدرت نظامی و اقتصادی ایالات متحده در سال‌های اول قرن بیستم و کمک‌های آن به کشورهای متحد اروپایی در جریان جنگ جهانی اول، تلاش دولت آمریکا برای به دست گرفتن رهبری دنیا و رقابت و مقابله بانیرمندترین امپراتوری وقت در تمام زمینه‌ها افزایش یافت و در عرصه ارتباطات، به تعطیل شعبه کمپانی رادیویی عظیم انگلستان، موسوم به «کمپانی مارکونی» در ایالات متحده و تأسیس «شرکت بزرگ رادیو آمریکا»^{۱۲} با

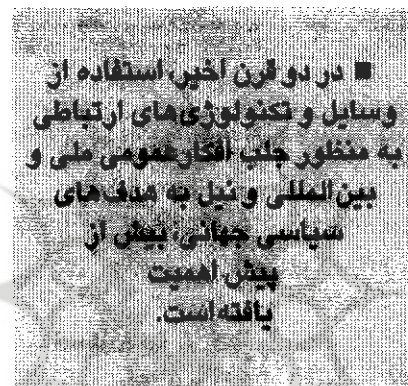
مشارکت کمپانی‌های مشهور «جنرال الکتریک»، «وستینگهاوس» و «تلگراف و تلفن آمریکا» (ای.تی.اندتی) و همراه با نظارت مستقیم دولت، به جای کمپانی رادیویی مذکور، منجر شد. در همان زمان، کوشش آمریکا برای پایان دادن به سلطه خبرگزاری «رویتز» بر بازار اخبار قاره آمریکا، از جمله در داخل ایالات متحده نیز آغاز گردید و سرانجام در جریان جنگ جهانی دوم و به ویژه در پایان این جنگ، سبب برتری یافتن خبرگزاری آمریکایی «آسوشیتدپرس» بر خبرگزاری انگلیسی «رویتز» شد.

الف. گزارشگری جنگ

انگلستان برای استفاده از گزارش‌های مطبوعاتی جنگ‌های نظامی، در جهت تحقق هدف‌های سیاست جهانی سلطه‌آمیز خود نیز پیشگام بوده است. برای نخستین بار، اخبار و گزارش‌های مستقیم از چگونگی برخورد نظامی در صحنه‌های منازعات، به وسیله «ویلیام هوارد راسل»^{۱۴} خبرنگار روزنامه تایمز لندن در جریان جنگ کریمه (شبه جزیره شمال دریای سیاه)، که در سال‌های ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۶، بین روسیه از یک سو و ترکیه و انگلستان، فرانسه و ایتالیا از سوی دیگر، در گرفته بود، تهیه شدند و در این روزنامه به چاپ رسیدند. این اخبار و گزارش‌ها، پیش از انتشار آنها، از سوی مقامات نظامی انگلیسی دستکاری و سانسور می‌شدند و به گونه‌ای که با منافع دولت انگلستان انطباق داشته باشند، سپس به خوانندگان عرضه می‌گردیدند.^{۱۵} به این ترتیب، شیوه گزارشگری جنگ‌های کریمه، اولین نمونه سانسور و تحریف اخبار و تصویرپردازی منفی از دشمن در گزارش‌های خبری جبهه‌های نظامی در دوره معاصر را، که در جنگ‌های اول و دوم جهانی و برخی از جنگ‌های دهه‌های اخیر مانند جنگ خلیج فارس به اجرا در آمدند، پدید آورد. پیش از آن، معمولاً خبرنگاران اجازه حضور در جبهه‌های جنگ را نداشتند

و برخی از نظامیان، وظایف تهیه گزارش‌های رسمی این جبهه‌ها، را ایفا می‌کردند.

استفاده از فعالیت‌های خبری روزنامه‌نگاران در جهت تحقق هدف‌های سیاست‌های جهانی کشورهای بزرگ غربی، از طریق تدارک حملات نظامی آنها به کشورهای دیگر نیز از نیمه دوم قرن نوزدهم، نمونه‌های جنجال‌انگیزی ایجاد نموده بود که در میان آنها پرداخت کمک‌های مالی بیسمارک صدراعظم آلمان به برخی از روزنامه‌نگاران فرانسوی



برای ترغیب آنان به گسترش مخالفت با سیاست‌های ناپلئون سوم امپراتور وقت فرانسه و ایجاد تزلزل در ارکان سیاسی و نظامی این کشور، به منظور تدارک حمله آلمان برای تصرف ایالت‌های «آلزاس» و «لرن» در سال ۱۸۷۰ از موارد بسیار معروف به‌شمار می‌رود.

مهم‌ترین و پرسروصداترین نمونه کاربرد گزارش‌های خبری مطبوعاتی برای نیل به هدف‌های سلطه‌آمیز جهانی و توسعه قدرت نظامی و سیاسی دولت‌های بزرگ، اقدام «ویلیام راندلف هیرست»،^{۱۶} مدیر روزنامه جنجالی «نیویورک جورنال»، برای اعزاز خبرنگار ویژه به کوبا، در جریان مناقشه سیاسی شدید ایالات متحده آمریکا و اسپانیا و تهیه مقدمات حمله نظامی آمریکا به این سرزمین و بیرون راندن نظامیان اسپانیایی در سال ۱۸۹۸ بود.

هیرست با انتشار گزارش‌های

هیجان‌انگیز درباره خشونت‌های اسپانیایی‌ها علیه استقلال خواهان کوبا، افکار عمومی ایالات متحده را علیه ادامه سلطه امپراتوری اسپانیا بر سرزمین مذکور، برانگیخت. وی برای تهییج هرچه بیشتر مردم آمریکا و تدارک مقدمات حمله ایالات متحده به کوبا، یکی از خبرنگاران خود به نام «فردریک رمینگتون»^{۱۷} را که در تصویرگری و عکاسی مهارت داشت، به هاوانا مرکز کوبا فرستاد، تا از چگونگی خشونت‌های اسپانیایی‌ها و مبارزات کوبایی‌ها علیه آنان برای نیویورک جورنال، گزارش تهیه کند.

این خبرنگار در یکی از پیام‌های تلگرافی که برای هیرست به نیویورک فرستاد، چنین نوشت:

«همه چیز آرام است، هیچ‌گونه اغتشاش و آشوبی وجود ندارد، جنگ روی نخواهد داد و می‌خواهم به آمریکا بازگردم.»

هیرست در پاسخ خبرنگار خود برای او پیام فرستاد:

«لطفاً در کوبا بمانید. شما تصویر

ارسال کنید، من مقدمات جنگ را فراهم خواهم کرد.»

هیجان‌انگیزترین کار مدیر «نیویورک جورنال» در راه تهیه مقدمات جنگ آمریکا و اسپانیا بر سر کوبا، فرار دادن یک دختر کوبایی از زندان اسپانیایی‌ها به وسیله یکی دیگر از خبرنگاران او بود. روز بعد از فرار دادن این دختر، روزنامه یادشده در دهم اکتبر ۱۸۹۷ با حروف درشت تیترهای زیر را در بالای صفحه اول آن چاپ کرد:

«اوانجلینا سینرو»^{۱۸} به وسیله روزنامه ما، آزاد شد. به این ترتیب، یک روزنامه آمریکایی با یک اقدام ناگهانی موفق شد، آنچه را که دیپلماسی آمریکا با وجود کوشش‌های فراوان در طول چندین ماه نتوانسته بود انجام دهد، به تحقق برساند.^{۱۹}

مدتی بعد، یک ناوشکن آمریکایی به طور تصادفی در نزدیک سواحل مجاور

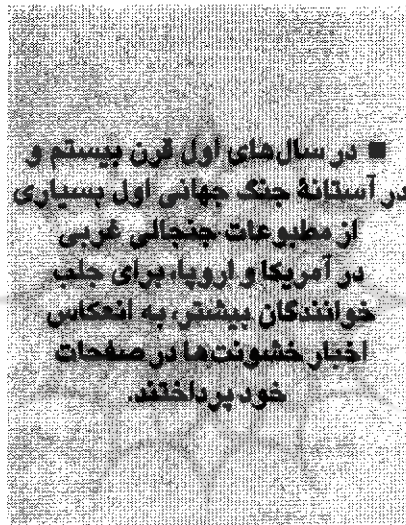
هاوانا، منفجر شد. هیرست بلافاصله مسئولیت انفجار ناوشکن را به عهده دولت اسپانیا گذاشت و سپس با انتشار اخباری درباره ساخت ناوهای جنگی جدید اسپانیا برای مقابله با آمریکا، افکار عمومی را بیش از پیش برای ورود ایالات متحده به نبرد نظامی علیه اسپانیا بر سر کوبا آماده ساخت. تا سرانجام چندماه بعد در سال ۱۸۹۸، دولت آمریکا در مورد مسأله کوبا، به اسپانیا اعلان جنگ داد و آن سرزمین را تصرف کرد.^{۲۰} جریان اخیر و فعالیت‌های مطبوعاتی جنجال‌انگیز و هیجان‌انگیز «ویلیام راندلف هیرست» سبب شدند که سال‌ها بعد، «اورسن ولز» سینماگر و هنرپیشه معروف، در تهیه داستان فیلم «همشهری کین»^{۲۱}، که در واقع حاوی زندگی‌نامه هیرست بود، از آن الهام بگیرد.^{۲۲}

در سال‌های اول قرن بیستم و در آستانه جنگ جهانی اول بسیاری از مطبوعات جنگی غربی در آمریکا و اروپا، برای جلب خوانندگان بیشتر، به انعکاس اخبار خشونت‌ها در صفحات خود پرداختند. در طول جنگ مذکور هم افراط برخی از مطبوعات آمریکایی در بزرگ‌تر کردن واقعیت‌های جنگی و ایجاد نگرانی‌های بیشتر در افکار عمومی، نوعی عکس‌العمل منفی علیه روزنامه‌نگاران در آن کشور ایجاد کرد و در پی آن، با انتشار گزارش‌های غیرعینی و هیجان‌انگیز خیرنگاران آمریکایی درباره انقلاب روسیه، بی‌اعتمادی خوانندگان نسبت به مطبوعات ایالات متحده افزایش یافت. به طوری که برای مقابله با بحران اعتبار روزنامه‌نگاری آمریکا، از یک سو «والتر لپمن» متفکر و روزنامه‌نگار معروف آمریکایی، کتاب مشهور «افکار عمومی» را در سال ۱۹۲۲ منتشر کرد و ضمن آن شیوه‌های روزنامه‌نگاری جنجالی و هیجان‌انگیز موجود را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و از سوی دیگر، انجمن سردبیران مطبوعات آنجا، برای نخستین بار، مجموعه اصول اخلاقی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را در سال ۱۹۲۳ تدوین و تصویب نمود. در

همین شرایط بود که در سطح بین‌المللی هم جامعه ملل برای تشویق مطبوعات به دفاع از صلح و تفاهم بین‌المللی، در سال ۱۹۲۵، قطعنامه خاصی تصویب کرد.

ب. سوابق و علل توجه به اخبار خشونت و جنگ

برخی از متفکران معاصر، با تکیه بر نوشته‌های مورخان دوره‌های گذشته جهان، برخوردهای نظامی و جنگ‌های قدرت‌های متخاصم را ناشی از اختلاف‌های فرهنگ و تمدن آنها معرفی



می‌کنند. به عنوان نمونه، می‌توان از اظهارنظرهای هرودت، مورخ مشهور یونانی درباره نقش اختلاف فرهنگ‌های ایران و یونان در جنگ‌های آنان در دوران باستان نام برد. این‌گونه اظهارنظرها همچنین سبب شده است که بعضی از متفکران معاصر غربی مانند «ماکس وبر»، پیروزی نظامی یونان بر ایران را عامل تاریخی پیشرفت «تمدن» غربی و شکست «بربریت» شرقی معرفی کنند.^{۲۳}

۱. جنگ بر اثر اختلاف فرهنگ‌ها

«گوردون مارتل»^{۲۴} استاد انگلیسی تاریخ معاصر، که سرپرستی مجموعه «تاریخ بین‌المللی نوین»، در مؤسسه انتشاراتی «راتلیج» را به عهده دارد. در

پیش‌گفتار یکی از کتاب‌های این مجموعه، با عنوان «ارتباطات جهانی، امور بین‌المللی و رسانه‌ها از ۱۹۴۵» تألیف «فیلیپ تیلور»^{۲۵} استاد انستیتوی مطالعات ارتباطی دانشگاه «لیدز» انگلستان، چنین نوشته است:

«آنچه اکنون به عنوان تاریخ «بین‌المللی» به آن استاد می‌کنیم، ابتدا از سوی کسانی که به نخستین کوشش‌های اروپاییان برای تدارک یک پژوهش تاریخی حقیقی درباره گذشته دست زدند، طرف توجه واقع شده بود و از آن زمان، همچنان دغدغه اصلی تاریخ‌نویسان به شمار می‌رود.

«هرودت» مورخ یونانی که به تشریح جنگ‌های ایران و یونان اقدام کرده بود. این موضوع را با رویکردی متفاوت با «توسیدید»^{۲۶} مورخ دیگر یونانی بعد از وی، مورد نظر قرار داده بود. همان‌طور که گفته شد، هرودت عقیده داشت که پاسخ به پرسش‌های مربوط به علل برخورد نظامی بین ایرانیان و یونانیان را باید در اختلافات موجود بین دو فرهنگ، جست‌وجو کرد. به همین لحاظ، او در کتاب تاریخ خود، سنن و آداب و عادات و عقاید دو تمدن ایرانی و یونانی را بررسی نموده بود.

انتقادگران هرودت از مدت‌ها پیش، خاطرنشان ساخته‌اند که وی به طور تصادفی به این گزینش رسیده و در برابر یک وضعیت آشکار، شیوه هواداری یکجانبه از یونانیان را پیش گرفته است. اما چنین انتقادهایی هرگز درباره «تیوکلیدس» که با تشریح «جنگ‌های پلوپونزی»^{۲۷} وظیفه تاریخ‌نویسی خود را به صورتی روش‌مندتر انجام داده است و از وضعیتی روشن، واقع‌بینانه‌تر استفاده کرده است، مطرح نشده‌اند. در طول دوهزار سال بعد از آن دوره، تاریخ‌نویسان دیگری نظیر «نیکولو ماکیاولی»^{۲۸} «لئوپولد فون رانک»^{۲۹} و «آرنولد توین بی»^{۳۰} نیز سنت تاریخ‌نویسی را دنبال نموده‌اند ولی دوگانگی موجود میان رویکرد «مردم‌شناختی» تاریخ و رویکرد «آرشیوی» آن همچنان پابرجا مانده است.^{۳۱}

سرپرست مجموعه «تاریخ بین‌المللی

کسانی که به روند روابط بین‌المللی در قرن بیستم علاقه دارند از نقش پر معنا و شاید انقلابی رسانه‌ها در این زمینه به خوبی آگاهند. گزارش‌ها و تفسیرهای مطبوعات، رادیو و تلویزیون و اخیراً اینترنت، شیوه‌های روابط و مناسبات دولت‌ها با یکدیگر را عمیقاً دگرگون کرده‌اند و در این میان، رابطه‌مندی روزنامه‌نگاران و مقامات رسمی هم به سبب آن که به رغم وابستگی متقابل، اکنون به یکدیگر با سوءظن در مرز دشمنی نگاه می‌کنند، بسیار پیچیده شده است...»^{۲۲}

۲. شیفتگی رسانه‌ها به جنگ و بی‌اعتنایی آنها به صلح

یوهان گالتونگ متفکر و محقق مشهور نروژی، در پیشگفتار کتابی با عنوان «ارتباطات و فرهنگ در جنگ و صلح»، وسایل ارتباط جمعی را به سبب نداشتن دیدگاه هواداری از صلح و امنیت، قابل سرزنش می‌داند. به عقیده او، رسانه‌ها نه تنها به صورت غیرعادی نسبت به جنگ و خشونت، شیفتگی نشان می‌دهند، بلکه نیروهایی را که در خدمت به صلح عمل می‌کنند نیز به فراموشی می‌سپارند. به گونه‌ای که در کار خود، بیش از آن که صدای تفنگ‌ها را خاموش نمایند، این صدا را قوی‌تر و پرتین‌تر، انعکاس می‌دهند. وی علت اصلی این شیوه عمل را پرورش و آموزش نامناسب اداره‌کنندگان و گردانندگان رسانه‌ها، معرفی می‌کند. به نظر او مدیران و همکاران حرفه‌ای وسایل ارتباط جمعی، تحت تأثیر شرایط فرهنگی و آموزشی خود، تنها به جنبه‌های ظاهری رویدادها و مسائل اجتماعی نگاه می‌کنند و برای جلب توجه هر چه بیشتر مخاطبان، آنچه را که ناگهانی و هیجان‌آمیز و در عین حال تأسفات‌انگیز و منفی است، منتشر می‌نمایند و در برابر آن، به کوششهای طولانی مدت هزاران و میلیون‌ها شهروندی که با صبر و حوصله فراوان، به دفاع از صلح می‌پردازند، توجه ندارند. این پژوهشگر نروژی، که از نخستین



نورین» سپس درباره رویکردهای مذکور چنین توضیح داده است:

«...مورخان دیپلماسی، اغلب به عنوان جویندگان و گردآورندگان حریص اسناد آرشیوی، محکوم شده‌اند و «مورخان جهانی» یا جمع‌بندی‌کنان و نتیجه‌گیران،^{۲۳} به سبب ایجاد ساختارهای وانگاره‌هایی که هرگز وجود نداشته‌اند و همچنین به لحاظ ارائه توجیه‌هایی که هرگز در برابر واضحات قابل دسترسی، به آزمون گذشته نشده‌اند، مورد حمله قرار گرفته‌اند.»^{۲۴}

پروفسور مارتل در این پیشگفتار، پس از بررسی کوتاه تعارض‌های دو شیوه قدیمی تاریخ‌نویسی غربی از عصریونان باستان تا دوره معاصر، شیوه کار همکاران خویش را ترکیبی از شیوه‌های یاد شده

معرفی کرده است:

هدف مجموعه «تاریخ بین‌المللی نورین» آن است که دو سنت قدیمی را با هم در آمیزد و «هرودت» و «توسیدید» را در کنار هم قرار دهد. به بیان دیگر، در حالی که مورخان پیرو سنت سیاسی گزارشگری روابط رسمی دولت‌ها، شیوه کار خود را براساس استفاده از ثروت عظیم پژوهش آرشیوی استوار می‌سازند، مؤلفان مجموعه مذکور، کوشش می‌کنند به مسیرهای دیگر تحقیق، که پس از جنگ جهانی دوم، بیش از پیش افزایش می‌یابند، توجه نمایند. پژوهشگران معاصر، اکنون به ایدئولوژی، فرهنگ، مهاجرت و ارتباطات، اسطوره‌ها و قالب‌های ذهنی، بازرگانی و امور مالی، به عنوان عناصر اصلی درک صحیح تاریخ بین‌المللی، می‌نگرند...

انتقادگران شیوه‌های جاری روزنامه‌نگاری غربی در دوره پس از جنگ جهانی دوم، به‌شمار می‌رود و مقاله معروف وی در مورد «ساختار اخبار» هنوز هم به‌عنوان یک کار تحقیقی نمونه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پیشگفتار کتاب یاد شده ضمن اشاره به فرهنگ غربی به‌معنای فرهنگ مسلط جهان، تأکید می‌کند که اگر چه این فرهنگ جنبه‌های خوبی مانند حکومت قانون، حقوق بشر، حرمت زندگی شخصی فرد و مالکیت خصوصی را ترویج می‌نماید، اما نگاه به تاریخ خشونت‌های خونبار

■ برخی از متفکران معاصر، با تکیه بر نوشته‌های مورخان دوره‌های گذشته جهان، برخوردهای نظامی و جنگ‌های قدرت‌های متخاصم را ناشی از اختلاف‌های فرهنگ و تمدن آنها معرفی می‌کنند.

قدرت‌های استعماری غربی، از زمان کشف آمریکا و قتل عام سرخ‌پوستان تا زمان جنایات نازی‌ها در آلمان هیتلری در دوره پیش از جنگ جهانی دوم و در طول این جنگ و همچنین توجه به عملکردهای غیرانسانی آنها در دوران استعمار کشورهای کنونی جهان سوم، سطحی بودن این ساختار فرهنگی را مشخص می‌سازد. به عقیده او در چنین شرایطی، رسانه‌ها به عوامل و وسایل بی‌اعتنایی به جوامع دیگر، عینی معرفی کردن اقدامات غرب و تعریف و توصیف ملی‌گرایی غربی در برابر دیگران، مخصوصاً مسلمانان، جوامع جهان سوم و رنگین پوست تبدیل می‌شوند و به عبارت دیگر، رسانه‌های غربی در مورد زمینه‌های بد و منفی جهان خود و جنبه‌های خوب و مثبت جهان دیگر یا جهان‌های دیگر،

سکوت می‌کنند. بنابراین نباید انتظار داشت که این رسانه‌های حافظ وضعیت مسلط، فرهنگ مسلط غربی را انعکاس ندهند و به گونه‌ای شگفت‌انگیز به تعریف و تمجید فرهنگ‌های دیگر بپردازند.

«یوهان گالتونگ»، پس از بیان نکات مذکور، به این نتیجه می‌رسد که فرهنگ جایی است که باید بیشتر توجه خودمان را به آن معطوف سازیم. به این منظور، به عقیده او می‌توان ده‌ها هنجار و قاعده و باید و نباید در مورد عملکرد رسانه‌ها، تدوین کرد. اما مسأله مهم آن است که عادت‌های بد، تا زمانی که برخی دگرگونی‌های فرهنگی اساسی روی نداده‌اند، باز تولید می‌شوند.^{۳۳}

۳. بی‌توجهی به ارتباطات در مطالعات مربوط به صلح

عدم توجه به نقش ارتباطات در زمینه صلح و امنیت، منحصر به رسانه‌های همگانی نیست و حتی در مطالعات علمی و تخصصی مربوط به صلح هم خلاء توجه به این نقش به چشم می‌خورد. خانم کالین راج استاد و محقق آمریکایی علوم ارتباطات براساس بررسی‌هایی که در این زمینه انجام داده، چنین نتیجه گرفته است که با وجود آن که در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، در ۱۸۰ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی ایالات متحده آمریکا، دوره‌های کارشناسی مربوط به مطالعات صلح وجود داشته‌اند و در ۱۵۰ نهاد دانشگاهی دیگر هم درس‌هایی در این باره ارائه می‌شده‌اند، اما هیچ‌جا درس‌هایی راجع به نقش رسانه‌ها در حفظ صلح و امنیت، عرضه نمی‌گردیده‌اند. به موجب تحقیقات وی، در مجموعه «مطالعات نظم جهانی»، که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ از سوی عده‌ای از محققان در ایالات متحده انجام می‌شدند و ضمن آنها، پنج ارزش مهم شامل «صلح»، «عدالت اجتماعی»، «برابری اقتصادی»، «توازن زیست محیطی» و «مشارکت سیاسی»، مورد بررسی قرار می‌گرفتند نیز توجه به

نقش رسانه‌ها در صلح جهانی، بسیار ناچیز و محدود بود. به همین جهت، این پژوهشگر آمریکایی تأکید کرده است که برای پیشبرد چنین مطالعاتی، باید به نقش فرهنگ و ارتباطات در نظم جهانی، توجه بیشتری معطوف گردد.

خانم کالین راج، بی‌توجهی یا کم‌توجهی مجله‌های تخصصی مربوط به مطالعات صلح به نقش و اهمیت ارتباطات در حفظ آرامش و امنیت بین‌المللی را یادآوری کرده است. به عنوان مثال، او یادآور شده است که در شماره مخصوص مجله «گزارش‌های آکادمی علوم سیاسی و اجتماعی آمریکا»، راجع به «مطالعات صلح» در ژوئیه ۱۹۸۹، حتی یک مقاله هم درباره رابطه بین وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات و فرهنگ، با جنگ و صلح، وجود نداشته است و تنها در یک مقاله آن، اشاره کوتاهی به نابرابری‌های ارتباطی بین کشورهای ثروتمند شمال و کشورهای فقیر جنوب و مسائل مربوط به «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات»، به چشم می‌خورد. همچنین در شماره فوریه ۱۹۹۱ «نشریه بین‌المللی علوم اجتماعی» یونسکو، که به «منازعه بین‌المللی» اختصاص یافته بود، در میان ۱۱ مقاله آن، تنها یکی از آنها به گونه‌ای موضوع فرهنگ و ارتباطات را مورد توجه قرار داده بود. در این مقاله، نقش تصویرسازی از دشمن در تشدید شرایط منازعه‌ای خاطر نشان گردیده بود و ضمن آن به جنبه‌های شناختی و روان‌شناختی دریافت این نوع تصویرها، توجه ویژه‌ای مبذول شده بود. در مقاله دیگری که در این نشریه در مورد راه‌حل مناقشات و منازعات جهانی انتشار یافته بود و طی آن، بر عوامل سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، قومی و روان‌شناختی این موضوع تأکید گردیده بود نیز به رابطه بین ارتباطات و فرهنگ و پژوهش راجع به منازعه‌های بین‌المللی، اشاره نشده بود.

مطابق بررسی‌های پژوهشگر، مذکور در سال ۱۹۹۱ در میان مطالب سه شماره

«مجله پژوهش صلح»، که یکی از مهم‌ترین نشریه‌های علمی و تخصصی این زمینه به شمار می‌رود، نیز به نقش ارتباطات و فرهنگ در آرامش امنیت جهانی، توجه لازم معطوف نگردیده بود. به طوری که در میان ۹ مقاله مندرج در شماره فوریه ۱۹۹۱ این مجله، که به «میانجی‌گری بین‌المللی»



بررسی مردم‌شناسانه نقش فرهنگ در حل منازعات، اختصاص یافته بود، و در این زمینه نقش ارتباطات در این مورد، مقاله‌ای به چاپ نرسیده بود.

به این ترتیب، خلاء مطالعات جهانی در مورد نقش ارتباطات و فرهنگ در مسائل مربوط به صلح و جنگ، کنجکاو برانگیز به نظر می‌رسد. در این میان، باید در نظر داشت که برخی از پژوهشگران اروپای شمالی، در چارچوب فعالیت‌های «انجمن بین‌المللی پژوهش درباره صلح»، از سال‌های دهه ۱۹۷۰ به این‌گونه مطالعات توجه خاص پیدا کرده‌اند و «انجمن بین‌المللی تحقیق در ارتباطات و رسانه‌ها» و همچنین «انجمن ارتباطات بین‌المللی» نیز از دهه ۱۹۸۰ به برگزاری کنفرانس‌های ویژه درباره «ارتباطات و صلح» پرداخته‌اند.^{۳۲}

۲. جهانی‌سازی اقتصادی و فرهنگی در عصر اطلاعات

در دو دهه اخیر، بر اثر دگرگونی‌های تازه نظام سرمایه‌داری و به ویژه پیشرفت و گسترش روند جهانی‌سازی اقتصادی و تحول و توسعه سریع تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شرایط جدیدی در دنیا پدید آمده‌اند و جاذبه‌های ظاهری آنها سبب شده‌اند که بسیاری از سیاستمداران و دولتمردان و همچنین برخی از متفکران و جامعه‌شناسان، از این تغییرات و تحولات، به عنوان «انقلاب ارتباطات»، «عصر اطلاعات» و «جامعه اطلاعاتی» نام

اختصاص یافته بودند، هیچ‌کدام از آنها به رسانه‌ها و ارتباطات و فرهنگ اشاره نکرده بودند. در شماره ماه مه آن سال مجله یاد شده، تنها یکی از مقاله‌های ششگانه آن، که به توسعه خطوط ارتباطی بین مسکو و واشنگتن تخصیص داده شده بود، به زمینه ارتباطات مربوط می‌گردید و در شماره ماه اوت ۱۹۹۱ مجله یاد شده هم که پنج مقاله درباره «شیوه‌ها و راه‌حل‌های فرهنگی منازعات» را دربرداشت، یک مقاله به

می‌برند.

الف: مقررات زدایی و خصوصی‌سازی ارتباطات

در میان عوامل و عناصر مؤثر در دگرگونی‌های جدید جهانی، می‌توان بیش از هر چیز، به کاربرد و پیشبرد شیوه‌های تازه آزادی‌گرایی اقتصادی و محافظه‌کاری سیاسی در دهه ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا و انگلستان اشاره کرد.

مقتضیات اجرای این شیوه‌های اقتصادی و سیاسی و ضرورت‌های تحقق

■ یوهان کالتونک متفکر و محقق

مشهور نروژی، در پیشگفتار کتابی با عنوان «ارتباطات و فرهنگ در جنگ و صلح»، وسایل ارتباط جمعی را به سبب نداشتن دیدگاه هواداری از صلح و امنیت، قابل سرزنش می‌داند.

هدف‌های آنها در جهت کارآیی و سودآوری هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های تجاری عظیم فراملی و توسعه بازار جهانی آنها در سراسر کره زمین، از یک سو به مقررات زدایی، خصوصی‌سازی و آزادسازی بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و مخصوصاً ارتباطات دور و ارتباطات رادیویی و تلویزیونی، ابتدا در ژاپن و اروپای غربی و جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین و سپس در سراسر دنیا منجر شدند و از سوی دیگر با جلب توجه گردانندگان اقتصاد آزاد کشورهای بزرگ سرمایه‌داری غربی به اهمیت گسترش ارتباطات دور و افزایش وسیع و سریع شبکه‌های تلفنی و به موازات آن، تولید و ترویج بسیار گسترده رایانه‌های شخصی در سراسر جهان، زمینه‌های مساعدی برای

همگرایی و ترکیب تکنولوژی‌های ارتباطات دور و ارتباطات رایانه‌ای و استفاده از شبکه‌های تله‌ماتیک و به ویژه اینترنت، فراهم گردیدند و به این طریق، بازارهای جهانی کاملاً مناسبی برای مقابله با بحران اقتصادی ناشی از رکود صنایع معمولی قبلی و توسعه صنایع جدید

■ **عدم توجه به نقش ارتباطات در زمینه صلح و امنیت، منحصر به رسانه‌های همگانی نیست و حتی در مطالعات علمی و تخصصی مربوط به صلح هم خلاء توجه به این نقش به چشم می‌خورد.**

■ **خلاء مطالعات جهانی در مورد نقش ارتباطات و فرهنگ در مسائل مربوط به صلح و جنگ، کنجکاوی برانگیز به نظر می‌رسد.**

ارتباطی و اطلاعاتی پدید آمدند.

همراه با دگرگونی‌های مذکور، از اوایل دهه ۱۹۹۰، در پی فروریختن دیوار برلن و سقوط رژیم سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی و دولت‌های وابسته به آن و به عبارت دیگر، با پایان یافتن دوره جنگ سرد در دو بلوک غرب و شرق و از میان رفتن مناقشات و منازعات دو نظام متعارض سیاسی و اقتصادی جهانی، جریان جدید دموکراتیک‌سازی سیاسی و اجتماعی، در کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی و قفقاز، برای گذر به سرمایه‌داری آزادی‌گرا و نیز بین کشورهای در حال توسعه آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین، برای نیل به همین هدف، رو به پیشرفت و گسترش گذاشت.^{۳۵}

دگرگونی‌های مهم دیگر دوره ۲۰ساله

اخیر، که از خصوصی‌سازی و آزادسازی ارتباطات دور و ارتباطات رادیویی و تلویزیونی و پیشرفت و گسترش تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات سرچشمه گرفته است، تعدد و تنوع بسیار گسترده و روزافزون امکانات و تجهیزات استفاده از انواع برنامه‌های تلویزیونی و به ویژه فیلم‌های سینمایی و سریال‌های سرگرم‌کننده و برنامه‌های موسیقی پخش شده از طریق ماهواره‌ها و نوارها و لوح‌های ویدئویی و اینترنتی است. به طوری که بر اثر گوناگونی و فراوانی فرآورده‌های فرهنگی ارتباطی جدید، نیازهای مخاطبان در سطح داخلی کشورها و همچنین در سطح فراگیر جهانی، پیوسته در حال افزایش و گسترش است و این نیازهای فزاینده، شرکت‌های بزرگ فراملی را ترغیب کرده است تا برای دستیابی به بازارهای گسترده‌تر و مخاطبان تازه، تولید فرآورده‌های سرگرمی‌آمیز و نیز برنامه‌های تبلیغات بازرگانی بیش از پیش فراگیر همراه با آنها را افزایش دهند و به نوعی جهانی‌سازی فرهنگی، بپردازند.

ب. **گسترش جهانی فرهنگ رسانه‌ای**

این شرایط جدید جهانی به عقیده محققان ارتباطی انتقادنگر، برای فراگیری «فرهنگ عامه» آمریکایی در سراسر کره زمین، زمینه بسیار مساعدی ایجاد کرده است. آن چنان که در سال‌های اخیر، فرآورده‌های فرهنگی ایالات متحده آمریکا، دومین مجموعه صادرات این کشور، پس از تکنولوژی‌های هواپیمایی را تشکیل داده‌اند و حتی برخی از پژوهشگران معتقدند که «... رویاهای آمریکایی منعکس شده در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی آن، در میان صادرات کمی ایالات متحده، مقام اول را دارا هستند» برای شناخت اهمیت جایگاه خاص محصولات فرهنگی در اقتصاد آمریکا، به نمایش درآمدن سریال‌های آمریکایی در ۱۱۴ کشور دنیا در سال ۱۹۹۷، یک نمونه جالب توجه است. به همین لحاظ، تحت تأثیر گسترش جهانی

فرهنگ جاذبه‌آمیز آمریکا، عنوان‌های سه گانه «سرزمین فیلم»، «سرزمین تلویزیون و ویدئو» و «سرزمین موسیقی» به ایالات متحده آمریکا داده شده‌اند.^{۳۶}

بعضی از متفکران منتقد آمریکایی، موج جدید پیشرفت و گسترش ارتباطات رسانه‌ای را نشانه ادامه سلطه فرهنگی

■ **بعضی از متفکران منتقد**

آمریکایی، موج جدید پیشرفت و گسترش ارتباطات رسانه‌ای را نشانه ادامه سلطه فرهنگی آمریکا از دوره پس از جنگ جهانی دوم تاکنون تلقی می‌کنند. به عنوان مثال «هربرت شیلر» معتقد است که در شرایط جدید دنیا پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی، سلطه فرهنگی جهانی نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش هم پیدا کرده است.

آمریکا از دوره پس از جنگ جهانی دوم تاکنون تلقی می‌کنند. به عنوان مثال «هربرت شیلر»^{۳۷} که پیشگام مطالعات انتقادی اقتصاد سیاسی ارتباطات در ایالات متحده شناخته می‌شود، معتقد است که در شرایط جدید دنیا پس از فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی، سلطه فرهنگی جهانی نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش هم پیدا کرده است. همچنین جیمز پتراس،^{۳۸} محقق انتقادگر دیگر آمریکایی نیز عقیده دارد، که «هولیوود»، سی.ان.ان و «دیسنی لند»، اکنون بیش از دیگر نهادهای اجتماعی در دنیا تأثیر گذارند.»^{۳۹}

باید خاطر نشان ساخت که در برابر این اندیشه‌های انتقادی، منتقدان امپریالیسم فرهنگی هم استدلال‌های خاص خود را مطرح می‌کنند و معتقدند که انقلاب

Cultural change Media Asia Vol, 24,
No 1, 1997, P. 15

36. Ibid. P. 16

37. Herbert I. Schiller

38. James Petars

39. Ibid. P. 16

* این مقاله، به سفارش «همایش
بین‌المللی خبرگزاری‌ها؛ ائتلاف برای
صلح» که روزهای ۲۳ و ۲۴ مهرماه امسال
توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
در تهران برگزار شد، تهیه شده و خلاصه
آن نیز در همایش مذکور ارائه شده است.
یادآوری می‌شود که کتاب مجموعه
مقالات همایش، در دست چاپ است.

from Crima to Vietnam. London:
Quartet books, 1975

16. William Randolph Hearst

17. Frederic Remington

18. Evangelina Cisnero

19. Jacques Kayser. Mort d'une
Liberte: Techniques et Politique de
l'Information. Paris: Plon, 1955, p.
104

۲۲. کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، جلد

دوم، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی
(جزوه درسی یلی‌کپی شده)، سال تحصیلی ۵۹، ۱۳۵۸،
صص ۱۰۵۱-۱۰۵۳.

۲۳. کاظم معتمدنژاد، «تصویر خبری انقلاب

اسلامی ایران در جهان»، رسانه، سال اول، ش ۱، بهار
۱۳۶۹، صص ۳۶-۲۱.

20. Ibid. p. 222

21. Citizen Kane

24. Gordon Martel

25. Philipe M.Taylor. Global
Communications, International
Affairs and the Media Since 1945,
London: Routledge, 1997. pp. IX.X

26. Thucydides

27. Ploponnesian Wars

28. Leopold Von Ranke

29. Philip M.Taylor. Ibid. P.IX

30. The Synthesisers

31. Philip M.Taylor. Ibid. p.IX

32. Philip M.Taylor. Ibid. p.IX

33. Johan Galtung. "Preface". in
Colleen Roach (ed). Communication
and Culture in War and Peace.
Newbury Park CA: Sage. 1992, pp.
XI-XIV

34. Colleen Roach.
"Introduction" in Colleen Roach (ed).
Communication and Culture in War
and Peace Newbury Park. CA: Sage.
1993. pp.XV-XVill

35. Jian Wamg, Global Media and

ارتباطی ناشی از همگرایی تکنولوژی‌های
اطلاعات و ارتباطات و پیشرفت
آزادی‌گرایی اقتصادی و سیاسی در سراسر
جهان، شیوه‌های زندگی و دیدگاه‌های
فکری را تغییر داده‌اند و نظریه‌های مربوط
به سلطه ارتباطی و فرهنگی جهانی
جوابگوی علل و عوامل تحولات پیچیده
کنونی دنیا نیستند. □

پی‌نوشت‌ها:

1. Hlarold A.Innis. Empire and
Communication. Toronto: University
of Toronto Press, 1972, The Bias of
Communication. Toronto: University
of Toronto Press, 1972

2. The Fourth Dimension

3. Harold Lasswell

4. The Political Warfare

5. Harold Lasswell. "Political and
Psychological warfare" in
W.Daugherty and M.Janowitz (eds).
A Psychological Warfare Casebook.
Baltimore: John Hopkins University
Press, 1958, p.24.

6. The Hidden Dimension

7. The Fourth Dimension

8. The Nation-State

9. International Communication

10. World Communication

11. Global Communication

12. Philip M.Taylor. Global
Communication. International
Affairs and the Media Since 1945.
London Routledge. 1997. p.p. 20-22.

13. Radio Corporation of
America (R C A)

14. William Howard Russel

15. Philip Knightley. The First
Casualty: The War Cosserpondent as
Hero, Myth-Maker and Propagandist